



### تیتراهای امروز

صدور احکام بدوی عوامل رسانه‌ای متهم در آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ نیلوفر حامدی: ۷ سال حبس الهه محمدی: ۶ سال حبس

## مستند خبرچینی

خبرنگاران آشوب‌طلب چگونه به آمریکایی‌ها سرویس می‌دادند مواضع آمریکا و اروپا در قبال حملات وحشیانه به غزه، همه ارزش‌های غرب را به چالش کشید

## حقیقتی که روشن شد

درخواست وزارت راه از وزارت صمت برای الزام احراز هویت و قاعده‌مند شدن درج آهمی در سکوهای فروش بر خط

## سکوهای پرش قیمت مسکن!

سازمان وظیفه عمومی فراجا اعلام کرد

## کاهش ۳ ماهه خدمت‌سربازی

عامل هتک حرمت قرآن کریم در سوئد پرچم رژیم صهیونیستی را در دست گرفت بوسه شیطان بر پرچم صهیونیسم کارفرما لورفت مرداد امسال وزارت اطلاعات از عضویت سلوان مومیکا در موساد خبر داده بود

### نگاه

## مأموریت شکست‌خورده مکرون

حنیف غفاری: دستگیری طرفداران حماس در فرانسه و آلمان همگام با حمایت‌های علنی اولاف شولتس و مکرون از رژیم کودک‌کش صهیونیستی تشدید شده و پارلمان اروپا نیز مسیر برخورد با مخالفان صهیونیسم را به بهانه واهی یهودستیزی (!) فراهم گذاشته و به بنیامین نتانیاهو جمهور فرانسه، در حمایت از نسل‌کشی در حاشیه‌های امن برای کودک‌کشی صهیونیست‌ها فراهم سازد، رویکرد و فحیح فرانسوی‌ها، حتی در داخل خاک این کشور نیز ظهور و بروز پیدا کرده است؛ جایی که هر گونه اعلام همبستگی با حماس و کودکان غزه ممنوع و در مقابل، حمایت از جنایات صهیونیست‌ها به یک دستورالعمل حکومتی - رسانه‌ای تبدیل شده است. یکی از موضوعاتی که طی روزهای اخیر مورد توجه محافل سیاسی - رسانه‌ای غرب قرار گرفته، تماس تلفنی رئیس‌جمهور فرانسه با رئیس‌جمهور کشورمان بوده است.

مکرون در این تماس، نتوانست ترس و وحشت خود را از شکست تمام‌عیار صهیونیست‌ها در مقابل مقاومت فلسطین کتمان کند. در مواضع مکرون، ترکیبی از نگرانی نسبت به حال و آینده رژیم اشغالگر قدس به چشم می‌خورد. وی در این تماس تلفنی، مواردی را مطرح کرده که هر یک از آنها قابلیت نقد و تحلیل دارد. رئیس‌جمهور فرانسه از یک سو نسبت به ورود دیگر گروه‌های مقاومت (خصوصاً حزب‌الله لبنان) به جنگ غزه ابراز نگرانی کرده و از سوی دیگر، خواستار اقدامات تهران برای جلوگیری از شعله‌ور شدن جنگ در منطقه شده است. درباره اظهارات مکرون، ۲ نکته اساسی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه قطعاً تماس تلفنی مکرون، با هدف تقویت مواضع مقاومت صورت نگرفته است! درافتمس این تماس تلفنی، تلاش پاریس برای تنفس مصنوعی به صهیونیست‌ها خودنمایی می‌کند، بنابراین تأکید مکرون مبنی بر عدم ورود حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومت به معادله نبردها، انعکاسی از نگرانی مطلق تل آویو نسبت به این موضوع تلقی می‌شود. قطعاً جنگ ترکیبی علیه رژیم جعلی صهیونیستی، با ورود گروه‌های مقاومت به این عرصه پیچیده‌تر خواهد شد. در شرایطی که حماس یک تنه با تحمل شکست به تل آویو در عملیات توفان الاقصی مؤثرانه نبرد را به سود خود رقم زد، وحشت صهیونیست‌ها نسبت به ورود بازیگران جدید به صحنه نبرد قابل درک است!

اعتراضات به ادامه حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به مردم مظلوم غزه تبدیل به **خشم جهانی** شده است راهپیمایی ۳۰۰ هزار نفری در لندن؛ اجتماعات بزرگ در پاریس، لس آنجلس و نیویورک؛ تجمع معنادار در هاروارد

# باریکه‌ای به وسعت جهان



## غزه با مقاومت زندگی می‌کند

فلسطینی‌ها به این باور رسیده‌اند که هزینه مقاومت بسیار بیشتر از سازش است. ۲- عدم پایبندی رژیم صهیونیستی به قوانین و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، فلسطینی‌ها بیشتر از هر مردم دیگری عدم پایبندی صهیونیست‌ها به قوانین بین‌المللی و توافقنامه‌های مختلف با رژیم صهیونیستی از جمله توافق ۱۹۶۷ را دیده و با تمام وجود لمس کرده‌اند. تاریخ را که نمی‌توان از میانه آن خواند و ارزیابی کرد و بر اساس آن نسخه نجات ارائه داد. اینکه برخی در داخل ایران می‌گویند حماس باید فلسطین و غزه را ترک کند تا وحشی‌گری صهیونیست‌ها به اتمام برسد (!) نشانه ناشایبی آنها با تاریخ فلسطین و عدم فهم آنها از معادلات این منطقه است. نسخه سازش همچنان از مقاومت حمایت می‌کند و حاضر به ترک غزه نیستند. ۲ دلیل عمده مردم غزه در عدم ترک این باریکه، یکی عدم تمایل به ترک کشور و سرزمین مادری و دیگری عقیم گذاشتن راهبردها صهیونیست‌ها برای از بین بردن حماس است. چرا فلسطینی‌ها به این نتایج رسیده‌اند؟ ۱- باور عمیق به مقاومت به عنوان تنها راه حفظ سرزمین و مقابله با اشغالگران. به عبارت دیگر

### یادداشت روز

## از هژمون تاهذیان

شروین طاهری: رخداد‌های ۱۶ روز اخیر متعاقب عملیات توفان الاقصی توسط حماس، همان‌طور که در بردارنده شواهدی از واقعیات میدانی افول رژیم صهیونیستی در مقیاس سرزمین فلسطین است، در ابعاد بزرگ‌تر یک گامی کامل از شواهد افول نظم بین‌المللی برآمده از هژمونی غرب را به نمایش می‌گذارد.

مثلت اهریمنی مرکز شهر واشنگتن با ۳ ضلع کاخ سفید، کنگره و پنتاگون از زمان جنگ دوم جهانی به مدت بیش از ۸۰ سال نقش مرکز جنگ‌افروزی در جهان را داشته و دارد و در عین حال در غالب این دوران توانسته بود به لطف سیاست‌ورزی داخلی چندوجهی و دیپلماسی توأم با تبلیغات، تصویری از یک نظام مقتدر در قلب ایالات متحده را به عنوان کخدایی مقتدر در دنیای آشفته به نمایش بگذارد.

چهره نمادین یک عمو سام مکار، سیاست‌باز و عقل کل در پس هژمونی توأم با توحش یانکی‌ها بر بخش عمده کره زمین، تصویری عمومیت‌یافته از این کدخدا بود که رفته‌رفته به واسطه تبلیغات هالیوود، رویای آمریکایی و سبک زندگی منضم آن بویژه به واسطه شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در دهکده جهانی به صورت میلیون‌ها الگوی مدرن حقیقی و مجازی بازتکثیر شد.

ایا می‌توانیم منکر شویم برای چندین دهه، نسل‌های متوالی بشر معاصر، تحت مغناطیس شدید سیاستمداران و تفنگداران یانکی، ستاره‌های هالیوود، مارول‌های کاغذی و سلولوئیدی، سلبریتی‌ها و ستاره‌های راک و پاپ و بانک و رب و سوپرستاره‌های ورزشی سازگار با رویای آمریکایی قرار داشته و دارند؟

ایا غیر از این است که سلطه سخت آمریکایی بر کره خاکی، ناشی از همین سلطه روانی بر احاد بشر بوده است؟

البته این امپراتوری نیز همانند نسخه‌های تاریخی پیشین خود، چیزی جز یک کل متشکل از احاد بشری نیست که چند صباحی است آثار واگرایی و ناسازگاری این اجزادر حال آشکار شدن است؛ آمریکایی‌هایی که به دلایل مختلف از جمله فردیت افسارگسیخته، چهره واقعی خود را از پس ماسک پرستاره مارول گونه‌قهرمان آمریکایی نشان می‌دهند؛ چهره انسان‌هایی آسیب‌پذیر همانند مردمان سایر کشورها.

جهانی‌سازی که مهم‌ترین رسالت تعریف‌شده برای سلطه آمریکایی است، با اصرار عجیب مستکبران و متفرعانه برای دسترسی بی‌واسطه به یکایک انسان‌های روی زمین، به خیال سلطه بر آنها، به تدریج رسانه‌ها را از صحنه خودنمایی آمریکایی‌ها تبدیل به عرصه رسوایی آنها کرده است.

از وقتی هژمونی عمو سام به سرانجامش افتاده، چهره اغواکننده او زودتر از بیکره هیولوارش خنده‌دار شده است. قطعاً دونالد ترامپ تپی مغز و بایدن آلزایمری، نخستین چهره‌های شاخص آمریکایی نبوده‌اند که مایه نفرت اکثریت مردم جهان از چهره اغواگر این امپراتوری اهریمنی شده‌اند اما بعید است بتوان نامزدهایی بهتر از این ۲ رئیس‌جمهور متاخر آمریکا در نقش «حماق و احماق‌تر» برای جایزه ویژه تمشک طلایی - که هر سال به بدترین بازیگران هالیوود اعطا می‌شود - پیدا کرد.

شگفت اینکه معجزه مقاومت در ضربه زدن به چشم استکبار در فلسطین اشغالی به واسطه توفان الاقصی، چنان ضربه تومان فیزیکی و روانی به سلطه آمریکایی زده که حمله هیستریک ناشی از آن، هزاران یانکی «حماق و احماق‌تر» را از کندوی حاکمیت واشنگتن بیرون کشیده است. هر روز در رسانه‌ها شاهد نمونه‌های عینی هستیم از اینکه مساله واگرایی جنون‌آسای حاکمیت ایالات متحده که مقدمه فروپاشی آمریکا پنداشته می‌شود، مساله‌ای فراتر از پاراتوای ترامپ و جمهوری خواهان و زوال عقل بایدن و دموکرات‌هاست.

در واقع در پس پرده جنون کودک‌کشی رژیم صهیونیستی، می‌توان جنون خودویرانگرانه سیاستمداران و تصمیم‌گیران دستگاه سلطه را به وضوح دید.

سفر انتحاری جو بایدن به تل آویو برای انداختن عکس یادگاری با نتانیاهو؛ آن هم با پس‌زمینه قتل عام ۱۰۰۰ فلسطینی غیرنظامی در بیمارستان المعمدانی غزه، نقطه اوج این جنون آمریکایی است.

کار به جایی رسیده که ۴ مقام اصلی دولت دموکرات‌ها طرف ۴ روز، موضع کاملاً متضاد در رابطه با جنگ اسرائیل و فلسطین ارائه داده‌اند. ابتدا شخص بایدن در تل آویو صریحاً از ادامه حملات جنایتکارانه اسرائیلی‌ها به مناطق مسکونی نوار غزه حمایتی بی‌حد و مرز کرد. بعد جنت یلن، بانکدار صهیونیست پیشین و وزیر خزانه‌داری سالخورده‌اش مدعی شد آمریکا توان جنگ در ۲ جبهه را دارد. بعد ژنرال لوید آستین، رئیس پنتاگون (وزیر دفاع) هشدار داد حمله زمینی اسرائیل به غزه - که بایدن از آن حمایت بی‌حد و مرز کرده بود - عملاً به خاطر تله‌ها و تونل‌های زیرزمینی حماس و جهاد اسلامی امکان‌پذیر نیست.

نتیجه مقاومت است لذا در چنین شرایطی با در نظر گرفتن این واقعیات، چگونه برخی در داخل توصیه می‌کنند حماس از غزه خارج شود تا مردم غزه از زیر بمباران صهیونیست‌ها نجات یابند؟ افرادی که چنین پیشنهادهایی می‌دهند از وضع زندگی فلسطینی‌ها در مناطق تحت مدیریت تشکیلات خودگردان باخبرند؟ آیا مردم آن مناطق اکنون در امنیت و رفاه قرار دارند و از گزند صهیونیست‌ها در امانند؟ توهین‌های مکرر صهیونیست‌ها به مقدسات مسلمانان و کشتار تفریحی فلسطینی‌ها توسط شهرکشین‌ها نتیجه حضور حماس در غزه است یا نشانه خوی مستمگری و اشغالگری رژیم صهیونیستی و شهرکشینان صهیونیست؟ پیشنهاد خروج حماس از غزه، پیشنهادی است که منافع رژیم مجعول صهیونیستی را تأمین می‌کند و در واقع به مثابه التیامی برای کاهش درد زخم صهیونیست‌ها بر اثر توفان الاقصی است. پیشنهاد خروج حماس از نوار غزه نشانگر ادامه حیات تفکری است که هنوز معتقد است دنیا را بدون موشک و صرفاً با گفتن می‌توان اداره کرد!

زده‌اند و آنها را در قالب دولت خودگردان به رسمیت می‌شناسند. رژیم صهیونیستی از به رسمیت شناختن پاسپورت فلسطینی هم خودداری می‌کند و یک تشکیلات سیاسی محدود و کاملاً کنترل‌شده را در سرزمین‌های اشغالی قابل پذیرش دانسته است. به عبارت دقیق‌تر، رژیم اشغالگر برخلاف توافقنامه‌های امضاشده با فلسطینی‌ها بویژه قرارداد ۱۹۶۷، هرگز حاضر به به رسمیت شناختن کشور و دولت فلسطینی نشده است. در واقع آنها تاکنون حاضر نشده‌اند حتی نسخه سازش فلسطینی‌ها با خود را نیز به رسمیت بشناسند!

در چنین شرایطی این نسخه مقاومت بود که گام به گام منجر به عقب‌نشینی صهیونیست‌ها شد و باریکه غزه را تبدیل به تنها نقطه از سرزمین فلسطین کرد که تحت مدیریت کاملاً فلسطینی قرار دارد و رژیم اشغالگر در آن نقشی ندارد. اگر مردم مظلوم غزه نیز بمباران‌های وحشیانه تاب می‌آورند و حاضر به ترک غزه نیستند حتماً به این دلیل است که برای آنان غزه روزنه و نوید پیروزی نهایی فلسطین است. مردم باریکه غزه، پس از ده‌ها، زندگی در خاک فلسطین و تحت مدیریت فلسطینی را تجربه کرده‌اند که این نیز